

بازخوانی حیاط خانه ایرانی بر اساس نظریه بوم شناسی فرهنگی

محمد رضا عطایی همدانی - دانشجوی دکتری معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
وحید شالی امینی* - استادیار و عضو هیئت علمی گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
مهدی حمزه نژاد - استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران
ویدا نوروز برازجانی - استادیار و عضو هیئت علمی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

پراکندگی پژوهش‌های معاصر معماری که با ورود شرق‌شناسان به سرزمین‌های کهن آسیایی از جمله ایران آغاز شده است. در مطالعات محققین بومی نیز به چشم می‌خورد. می‌توان این پراکنده گویی‌ها را محصول اثبات‌گرایی و تجربه‌گرایی علم مدرن دانست. در نظریات پسا اثبات‌گرایی سعی شده است از نگاهی کل نگر به ارتباط بین علوم دقت شود و بوم شناسی فرهنگی از چنین دیدگاهی نظرات پراکنده محققین بویژه بوم شناسان و فرهنگ شناسان را به هم مرتبط ساخته است. روش تحلیل داده‌ها کیفی با تحلیل محتوا است و روش گردآوری داده‌ها اسنادی می‌باشد. ارتباط الگوی سکونت و به تبع آن معماری با بوم و انسان قابلیت ورود بوم شناسی فرهنگی در تحقیقات معماری را نشان می‌دهد که بویژه در پژوهش‌های معماری پایدار موضوعیت و ضرورت دارد. پژوهش حاضر ضمن معرفی بوم شناسی فرهنگی عوامل محیطی و فرهنگی همبسته را بعنوان مدلی برای بازخوانی الگوی سکونت و محصولات کالبدی آن که در اینجا حیاط خانه ایرانی است بکار می‌برد و در پاسخ به عوامل و علل مؤثر در شکل‌گیری و تثبیت و توسعه الگوی حیاط خانه ایرانی، تکنولوژی، نوع معیشت و جهان بینی را معرفی می‌کند و آنها را همبسته با عوامل محیطی نظیر توپولوژی، اقلیم و مکان جغرافیایی می‌داند. **واژگان کلیدی:** بوم شناسی فرهنگی، حیاط، الگوی سکونت، محیط، معیشت.

Review of the Iranian house on the basis of cultural ecologic theory

Abstract

The study of contemporary architectural research begins with the arrival of the East Asian land, including Iran. In studies, indigenous researchers are also seen. It can be considered as a product of modern science. In post - theories, it has been attempted to look at the relationship between the sciences and the cultural ecology of such a view of the researchers, especially ecologists and sociologists. Data analysis method is qualitative analysis and data collection method is documented. The communication pattern and consequently the architecture with the canvas and the human being demonstrate the ability to enter the culture of culture in architectural research, particularly in sustainable architectural research. The present study, introducing cultural ecology of environmental and cultural factors, serves as a model for the residence model and its body products, which are the Iranian home yard, and introduces them to the environmental factors such as the topology, climate, and geography of the Iranian house.

Keywords: Cultural ecology, Settlement, Environment, livelihood.

مقدمه

در پی ناکافی دانستن پارادایم‌های علمی اثبات‌گرا در ایجاد تصویر روشنی از جهان هستی و پدیده‌های آن در پارادایم‌های پسااثبات‌گرایی و انتقادگرایی بوجود آمده پس از آن، برای ایجاد تصویری همگن و روشن برکل-نگری تاکید شده و گرایش‌های بین رشته‌ای برای کشف ارتباط علوم باهم ایجاد گشت. از این گرایش‌های بین رشته‌ای می‌توان به «بوم‌شناسی فرهنگی» اشاره کرد که پدیده‌های محیطی را در ارتباط با پدیده‌های فرهنگی می‌داند. این گرایش ریشه در «بوم‌شناسی زیستی و تجربی» دارد و به نوبه خود در ظهور جنبش‌های زیست محیطی اواخر قرن بیستم نقش داشته است. از سویی دیگر، «بناهای حیاط‌دار» در ایران قدمتی در حدود هشت هزار سال دارند. بناهای مختلف و خانه به‌طور اخص تا رسیدن به شکل حیاط مرکزی کامل، زمانی در حدود شش هزار سال را طی کرده اند و در هر کدام از دوره‌های تاریخی حیاط یک یا چند کاربرد از آنچه یاد شد را داشته است. ابتدایی‌ترین روش محصور کردن یک سرپناه در داخل یک حصار را می‌توان در حصارهای سنگی دالمن‌هایی در آذربایجان مشاهده کرد. این حصارها هرچند که ارتفاع زیادی ندارند ولی نشانه‌ای از تفکر در مشخص کردن حدود مالکیت از طرف سازنده آن می‌باشد (معماریان، ۱۳۷۵، ص ۱۶). همچنین، روش‌های بوم‌شناسی فرهنگی در ابتدای شکل‌گیری در دهه ۶۰ میلادی کمتر در رشته‌های معماری و شهرسازی ورود پیدا کرد و بیشتر به بررسی نوع سکونت و معیشت جوامع روستایی و کوچ‌نشین در علم مردم‌شناسی متداول شد اما پیشرفت‌های مبانی نظری و مدل‌های آن توانست در پژوهش‌های معماری و شهرسازی بکارگرفته شود. هم‌چنین ارتباط روانشناسی بوم‌شناختی و بوم‌شناسی فرهنگی می‌تواند در پژوهش‌های طراحی محیطی افق‌های جدیدی بگشاید و درک بهتری از فضایی برای انسان وابسته به بستر محیطی و نه انسان در تعریف عمومی ایجاد کند. بر اساس منطق محیطی، عرصه‌های شهری بخش‌هایی جداناپذیر از عرصه‌ی طبیعت فرادست محسوب می‌گردند. بدین ترتیب نزدیکی به شرایط طبیعی مهم‌ترین اصل در چنین نگرشی محسوب

می‌شود. به عبارتی دیگر نظام‌های بوم‌شناختی دارای گستره‌ای از ارتباطات و تأثیرات متقابل بوده (ماتلاک، ۱۳۷۹) و از این جهت قائل شدن به مرز میان آن‌ها ممکن نمی‌باشد. به همین ترتیب نظام بوم‌شناسی شهری، بخشی متعامل و مرتبط با نظام بوم‌شناختی کلان و فرادست محسوب می‌گردد که به واسطه حضور انسان دچار دگرگونی و تغییراتی شده است. در این مقیاس، فضاهای سبز شهری عمده‌ترین عرصه فعالیت معماران منظر محسوب می‌شوند. با توجه به نقش عمده‌ی فضاهای باز شهری در نظام اکولوژیک شهر، دانش بوم‌شناسی منظر شهری به طور ویژه به این فضاها از جنبه‌ی ساختار و کارکرد بوم‌شناسانه‌ی آن‌ها می‌پردازد. بر این اساس و با توجه به ارتباطی که دانش بوم‌شناسی منظر میان ساختار فضایی و کارکردهای نظام اکولوژیک قائل است، در نگرشی دینامیک و فرآیندگرا نسبت به فضاهای باز شهری به کمیت و اعداد و ارقام سرانه‌ی این فضاها اکتفا ننموده و به کیفیت، ترکیب، توزیع وسعت و ارتباطات ساختاری می‌پردازد (یاوری، ۱۳۸۵). در ایران پژوهش‌های بین رشته‌ای، بین فرهنگ و معماری بیشتر گرایش‌های انسان‌شناسی فرهنگی رامبنا قرار داده اند و کمتر اشاره‌ای به نقش زیست‌بوم در فرهنگ شده است. از مهمترین آثار در این زمینه میتوان به پژوهش محمدرضا حائری در مورد خانه‌های ایرانی با نام «خانه، طبیعت، فرهنگ» (حائری، ۱۳۸۸) اشاره کرد که تأثیر بسزایی در پژوهش‌ها متأخر در این رابطه داشته است. می‌توان پژوهش‌های صورت گرفته در رابطه با معماری ایرانی را بجز تحقیق یادشده در چهار گروه دیگر دسته‌بندی نمود: ۱- بررسی سیرتاریخی معماری خانه (ابولقاسمی، پیرنیا و غیره)؛ ۲- بررسی تطبیقی خانه ایرانی با خانه دیگرملل (عینی فر، معصومی و غیره)؛ ۳- بررسی اقلیمی خانه‌های ایرانی (قبادیان)؛ و ۴- بررسی مبانی جهان بینی معماری ایرانی (نقره کار، نوایی، نقی زاده و غیره). پژوهش حاضر از ادبیات، ابزارها و شیوه بررسی بوم‌شناسی فرهنگی در بازخوانی حیاط خانه ایرانی، استفاده شده و در فرایند توسعه حیاط خانه ایرانی عوامل تکنولوژیکی، معیشتی و جهان بینی را به طور همزمان موثر در نظر گرفته شده است.

روش تحقیق

دیدگاه نظری پژوهش حاضر اثبات‌گرایی و عملگرایی است که با نگاهی کل‌نگر به پدیده‌های انسانی و محیطی می‌نگرد. روش جمع‌آوری داده‌ها اسنادی و روش تحلیل آن‌ها کیفی و از نوع تحلیل محتواسست. ابزار اندازه‌گیری به سبب کیفی بودن داده‌ها، واژه‌ها و عبارات و مشاهدات بصری است و بستر مورد پژوهش نیز خانه سنتی دارای حیاط مرکزی واقع در فلات مرکزی و حاشیه کویر ایران است.

مبانی نظری اکولوژی

برای پی‌بردن به مجموعه از روابط متقابل گیاهان و جانوران و محیط پیرامون آنها، علمی به نام «اکولوژی»^۱ به وجود آمده است. به کارگیری روزافزون این لغت در محاورات روزانه موجب گردیده است که نظیر بسیاری از موارد مشابه، این لغت مفهوم گسترده‌تری را به خود اختصاص دهد و یا حتی از مفهوم اصلی و واقعی اولیه خود نیز دور شود؛ بنابراین قبل از هر چیز ضروری است که بدانیم اکولوژی چیست؟ واژه اکولوژی از دو کلمه یونانی:

۱. «اویکوس»^۲ (به معنی مسکن، خانه، بستر زیست یا محل زندگی) و
۲. «لوگوس»^۳ (به معنی شناخت، علم یا دانش) تشکیل شده و معنای تحت‌اللفظی آن عبارت است از بررسی یا مطالعه موجودات زنده در بستر زیستشان. این واژه برای اولین بار توسط یک زیست‌شناس آلمانی به نام «ارنست هکل»^۴ در سال ۱۸۶۹ میلادی به کار برده شد و معادل‌های آن در فارسی عبارتند از بوم‌شناسی، محیط‌شناسی و یاکدشناسی. اکولوژی در واقع شاخه‌ای از علم زیست‌شناسی است. در علم زیست‌شناسی مطالعه برخی خصوصیات موجودات زنده در طول حیاتشان از جمله

مطالعه خصوصیات ظاهری^۵، تشریح اعضا موجودات زنده^۶، بررسی وظائف اعضا مختلف^۷ و رده‌بندی موجودات^۸ زنده بیشتر مدنظر است. در برخی مطالعات زیستی نظیر بررسی خصوصیات فیزیولوژیکی موجودات زنده، تاثیر عوامل محیطی را در شرایط آزمایشگاهی و به صورت مصنوعی بر روی موجود زنده مورد بررسی قرار می‌دهند، در صورتی که ویژگی دانش اکولوژی بررسی تاثیر عوامل محیطی در شرایط طبیعی بر روی موجودات زنده می‌باشد زیرا در طبیعت عوامل بسیار زیادی با یکدیگر مرتبط بوده و تغییر در یکی می‌تواند موجب بروز نوساناتی در دیگری گردد؛ به همین دلیل دشواری مطالعات اکولوژیکی، پیچیدگی شرایط مطالعه می‌باشد.

البته این موارد ارتباط تنگاتنگی با معماری بومی و مفاهیم مرتبط با آن دارد؛ چنانچه از آنجا که بوم‌گرایی، شناسنامه معتبری از مردم یک سرزمین به شمار می‌رود، نمایانگر آداب و رسوم، روحیه و احساسات، اندیشه و عقیده، ذوق و سلیقه و هنر آنان است، در شکل‌گیری معماری بومی، برخی روابط اجتماعی و اقتصادی در محیط طبیعی و نمادهای فرهنگی، ماهرانه انعکاس می‌یابد، به نحوی که همزمان، سادگی و آرایش در آنها متجلی است. ریشه‌های تاریخی توجه به معماری بومی را می‌توان در قرن ۱۸ میلادی یافت. در این زمان، با استعمار کشورهای آفریقا و اقیانوسیه به وسیله اروپائیان تغییراتی در هنر و ادبیات دنیای غرب به وقوع پیوست. در نیمه دوم قرن ۱۸ مطالعاتی علمی و خاص‌تری در مورد نحوه زندگی، فرهنگ و هنر و معماری جوامع استعمار شده صورت گرفت. لیکن این تحقیقات و بررسی‌ها بلافاصله اثر خود را بر روی حرفه معماری و آموزش معماران ظاهر نکرد و این امر تا اوایل سالهای ۱۹۶۰ اثر بارز و خیلی آشکاری از خود بروز نداد. در سال ۱۹۶۴، «برنارد ردوفسکی»^۹

5. Morphology
6. Anatomy
7. Physiology
8. Systematic
9. Bernard Rudofsky

1. Ecology
2. Oikos
3. Logos
4. Ernest Haekel

نمایشگاهی را با عنوان «معماری بدون معمار» به همراه کتابی با همین نام فراهم کرد. به عقیده برخی، این واقعه همچون نقطه عطفی در شروع توجه جدی غرب به معماری بومی واقع گردید و سرآغاز تحقیقات بسیاری در این زمینه شد. «وودهاوس»^{۱۰} در مقدمه کتاب خود توصیف نسبتاً دقیقی از جستجوها و مطالعات صورت گرفته در پیرامون موضوع معماری بومی را قبل و بعد از سال ۱۹۶۰ ذکر کرده است (صادقی، ۱۳۹۱، ص ۶۷). موضوع معماری بومی برای نخستین بار تحت نام‌های گوناگون، در کشورهای اروپای جنوبی - مرکزی و حدود چهل سال پیش روی کاغذ آمد. معماران و پژوهشگرانی که از آن سالها تاکنون به این موضوع پرداخته اند، زمینه‌هایی را برای اندیشیدن و توجه دادن به موجودیت و ماهیت این رده از محصولات فضای ساخته شده به دست داده اند (فلامکی، ۱۳۸۴، ص ۷۳)؛ «اولین باری که نامی بر این پدیده معماری نهاده شد، معماری خود جوش به ابداع جوزپه پائانو بود.» (آلپاگونوللو، ۱۳۸۴، ص ۲۵)

انواع مطالعات بوم شناختی

اکولوژی بخش وسیعی از دانش زیست‌شناسی است. تقسیمات فرعی در این علم نظیر آنچه که در سایر علوم متداول است، ممکن است از دیدگاه‌های مختلفی صورت پذیرد. بدواً مطالعات انجام شده بر حسب نوع موجود زنده به سه شاخه اصلی تقسیم می‌شود:

۱. اکولوژی گیاهی:^{۱۱} علم شناخت رابطه گیاهان با محیط زیستشان؛
 ۲. اکولوژی جانوری:^{۱۲} علم شناخت رابطه جانوران با محیط زیستشان؛
 ۳. اکولوژی انسانی:^{۱۳} علم شناخت رابطه انسان با محیط زیستش؛
- از طرف دیگر هریک از موارد مذکور بر حسب تعداد موجود زنده مورد بررسی به دو گروه فرعی دیگر تقسیم می‌شوند:

الف- اکولوژی انفرادی^{۱۴}؛ در این مطالعه، رابطه یک گونه تنها با محیط اطرافش مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بخش از اثرات متقابل گونه مورد مطالعه و گونه‌های دیگر صرف نظر می‌گردد و عمدتاً حد بردباری موجود زنده در برابر عوامل اکولوژیکی و تاثیر محیط بر شکل ظاهری و خصوصیات فیزیولوژیکی و رفتاری موجود زنده مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ مثلاً تعیین نیازهای یک گونه ما را قادر می‌سازد که حدوداً بتوانیم محل استقرار، پراکنش جغرافیایی، میزان انبوهی و فعالیت آن در محیط‌های مختلف تعیین نمائیم (مطالعه اکولوژی موجودات زنده به حالت منفرد).

ب- اکولوژی جمعی^{۱۵}؛ در این نوع مطالعه، رابطه بین افراد متعلق به گونه‌های مختلفی که در بطن یک گروه (با یک‌گونه) به سر می‌برند با محیط در بر گیرنده شان مورد بررسی قرار می‌گیرد (مطالعه اکولوژی موجودات زنده در جمع سایر موجودات). در اکولوژی جمعی، هدف شناخت بهتری از ساختمان و طرز کار اکوسیستم-هاست. اما بین متخصصان فرانسوی و امریکایی از نظر تعریف اکولوژی انفرادی تا حدی اختلاف نظر وجود دارد. بر طبق تعریف متخصصین فرانسوی یک مطالعه هنگامی به صورت انفرادی است که یک موجود زنده به تنهایی در ارتباط با محیط مطالعه می‌شود و هیچگونه رابطه‌ای با موجودات زنده دیگر در محیط ندارد. مثلاً گیاهان در مناطق نزدیک قطب یا در بیابانها در فواصل بسیار دور از یکدیگر رشد می‌کنند و عملاً هیچگونه ارتباط زیستی اعم از این که به گونه واحد یا گونه‌های متعدد متعلق باشد مورد بررسی قرار گیرد، مطالعه اکولوژی چنین موجودی از نظر تعریف متخصصین فرانسوی جزء مباحث اکولوژی جمعی است. متخصصین امریکایی به همین تقسیم‌بندی با جزئی اختلاف معتقد هستند. «اودوم»^{۱۶} (۱۹۷۳) از نظریه پردازان امریکایی معتقد است که اگر موجود زنده به حالت منفرد یا عده‌ای از افراد متعلق به این گونه

14. Autecology

15. Synecology

16. E.P. Odum

10. Wodehouse

11. Plant Ecology

12. Animal Ecology

13. Human Ecology

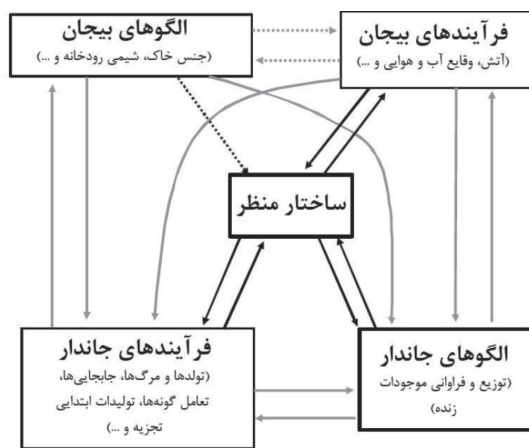
در رابطه با محیط بررسی شوند، این مطالعه یک مطالعه اکولوژی انفرادی است ولی اگر موجود یا موجودات زنده از یک گونه در جمع سایر موجودات زنده مورد بررسی قرار گیرند، مطالعه از نوع اکولوژی جمعی است مثلاً مطالعه یک درخت بلوط به حالت منفرد یا تعدادی از درختان بلوط متعلق به یک گونه مشخص در یک منطقه نوعی بررسی اکولوژی انفرادی است، اما مطالعه درخت یا درختان بلوط در یک جنگل و در جمع سایر گونه‌ها نوعی مطالعه اکولوژی جمعی است. بنابراین ملاحظه می‌شود که این دو نوع تعریف فقط جزئی اختلاف در مطالعات انفرادی دارند یعنی بر طبق تعریف متخصصین فرانسوی مطالعه یک درخت بلوط در جمع درختان بلوط متعلق به همان گونه یک مطالعه اکولوژی جمعی است اما از دید تعریف متخصصین امریکایی یک مطالعه اکولوژی انفرادی است. از سویی، شناخت معماری بومی می‌تواند به منزله شناخت جامعه باشد. جامعه ای که همچنان از آغاز شکل گیری، برای بقا، با طبیعت در تنازع است. شهر کویری در نبردی سخت و مداوم با خورشید، به هنگام تابستان وجودش را در سایه گذرهای سرپوشیده و باریک از گرما محفوظ می‌دارد (دادخواه، ۱۳۸۴، ص ۹۹). وضعیت فرهنگ بومی ساکنان هر سرزمین را می‌توان نتیجه این تقابل و انتخاب روش مردم بومی، در همزیستی با امکانات طبیعی دانست که بر حسب پیشرفت های تجربی - علمی ساکنان آن، امروزه شاهد انواع فرهنگ های بومی در نقاط مختلف جهان می‌باشیم (مهریار، ۱۳۸۴، ص ۵۴).

مطالعات اکولوژی جمعی خود می‌توانند با دو دیدگاه متفاوت صورت گیرند:

۱. اول، دیدگاه ساکن (پایا)^{۱۷}، یا اکولوژی جمعی تشریحی که عبارت است از تشریح گروه های مختلف موجودات زنده که در یک نقطه معین با یکدیگر به سر می‌برند. در این قبیل مطالعات اطلاعات دقیقی در مورد ترکیب خاص گروه‌ها، انبوهی آن‌ها و تواتر آن‌ها جمع‌آوری می‌گردد. در این بخش به خصوصیات زمان حال اهمیت

داده می‌شود و به گذشته و آینده توجهی نمی‌شود.

۲. دوم، دیدگاه پویا^{۱۸} یا اکولوژی کاربردی که خود دارای دو وجه متمایز از یکدیگر است. یک وجه اکولوژی جمعی کاربردی، عبارت است از بررسی و تشریح نحوه تحول گروه‌های مختلف موجودات زنده و بررسی این امر که تحت تاثیر چه عواملی این گروه ها در یک محل جایگزین یکدیگر می‌گردند. وجه دیگر آن عبارت است از مطالعه چگونگی انتقال ماده و انرژی در میان اجزاء گوناگون تشکیل دهنده یک اکوسیستم، که در واقع مبنای اکولوژی کمیته را تشکیل می‌دهد. از دیدگاه بوم شناسی منظر شهری، فضاهاى باز و سبز شهری عرصه‌هایی بی بدیل برای نزدیک‌تر شدن به الگوی طبیعی محسوب می‌شوند. در حقیقت این فضاها واجد قابلیت‌هایی عمده در حفظ و تداوم عملکردهای بوم شناسانه محیط می‌باشند. در این راستا و با توجه به اصل ارتباط ساختار- عملکرد، در نظر گرفتن ساختار و به- عبارتی نحوه توزیع، ترکیب، وسعت و ارتباطات در این فضاها، حائز اهمیت بسیار در چگونگی عملکردهای اکولوژیک شهر می‌باشد.



نمودار ۱. رابطه بین ساختار منظر و ساختارهای بوم‌شناختی محیط؛ ماخذ: Forman, 2008



نمودار ۲. بررسی ابعاد پایداری در محیط و زیست بوم؛ ماخذ: Forman, ۲۰۰۸

جنبه های اقتصادی	جنبه های محیطی	جنبه های فرهنگی - اجتماعی
پرهیز از بیهودگی (قناعت): که منجر به صرفه جویی در مصرف منابع و در نتیجه کاهش هزینه ها خواهد شد. انعطاف پذیری بنا که باعث افزایش عمر آن می گردد و در نتیجه نیاز به ایجاد فضاهای جدید و تخریب فضاهای بی استفاده را کاهش می دهد. نیارش: ایجاد ساختمانهایی مستحکم که هزینه های تعمیرات و نگهداری را کاهش می دهد.	توجه به ویژگی های طبیعت که منجر به ایجاد حس احترام به طبیعت و قناعت و معنادار شدن محیط ساخته شده می شود توجه به ویژگی های مادی طبیعت و طراحی اقلیمی و سازگاری با محیط پیرامون خود بسندگی استفاده از مصالح بوم آورد: استفاده از مصالح بی خطر، سالم و بومی، تکنولوژی موجود، جوابگویی و شدنی بودن عملکردها که پیامدهای مرتب شده در فعالیتهای ساختمانی امروزه هستند. انرژی متمرکز شده در فعالیتهای ساختمانی امروزه هستند. انرژی متمرکز شده در پیامدهایی چون مفاهیم ماندگاری، نگهداشت پذیری، تعمیر پذیری و سادگی، مورد توجه قرار گرفته اند.	مردم واری: معماری بومی نسبت به فرهنگ اعضای اجتماع، حساس، رفتار می کند؛ از جمله، درون گرایی که در نظر گرفتن نیازهای استفاده کننده، از نظر نیاز او به حریم خصوصی و امنیت سازگاری: سازگاری با ساکنان ساختمان به دلیل قابلیت انعطاف پذیری معنادار نمودن طبیعت در معماری که موجب ایجاد فرهنگ مصرف صحیح و قناعت می شود. پس نگری (تغییر عادت بد): پرهیز کردن از چیزهای غیر ضروری است که کارایی را پایین می آورد. توانایی و آمادگی ما برای تغییر ذهنمان، ممکن است بتواند مشکلاتی را حل کند، حتی بیش از یافتن یک راه حل قطعی برای یک مشکل.

نمودار ۳. جنبه های پایداری در زیست بوم شهری؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

را به عنوان یک موجود حائز فرهنگ مورد
مطالعه قرار می دهد. او بیش از هر چیز به
گردآوری داده هایی که به توضیح فرهنگ های
متفاوت بشر و نیز به شیوه هایی که این
فرهنگ ها موجودیت یافته و یا رشد کرده اند،
می پردازد. داده های وی شامل مجموعهء پیچیده
ای از دانش، اعتقادات، هنر، اخلاقیات، قوانین،
آداب و رسوم اعضای آن جامعه است که
مجموعاً فرهنگ آن جامعه را می سازد (هاویلند،

انسان شناسی فرهنگی و بوم شناسی فرهنگی
رشته انسان شناسی را می توان به دو حوزهء
بنیادی تفکیک کرد: «انسان شناسی زیستی و
انسان شناسی فرهنگی». انسان شناسی زیستی
بیش از هر چیز انسان را به عنوان یک اندام وارءه
زیستی مورد مطالعه قرار می دهد. انسان شناس
زیستی از دانش ژن شناسی و شیمی زیستی برای
شناخت کاملتری از تفاوت های انسانی و تکامل
او سود می جوید. انسان شناس فرهنگی انسان

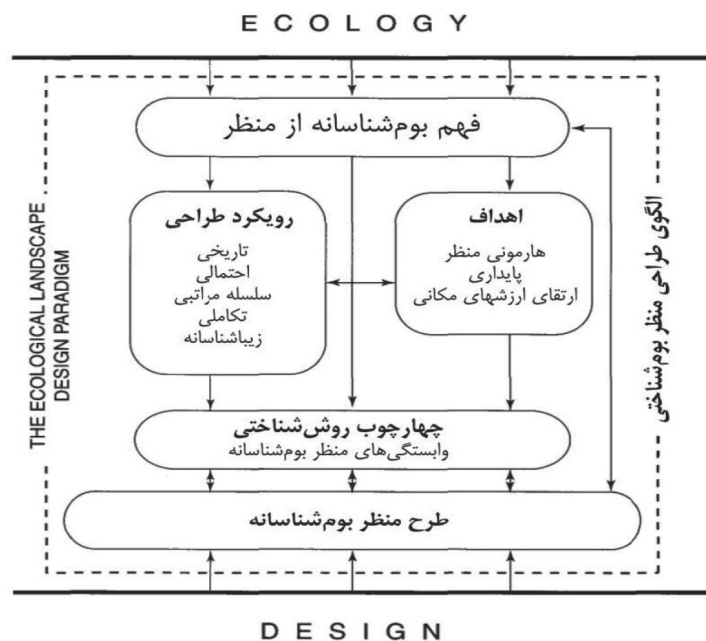
۱۳۸۲، ص ۲۳). داده‌هایی که از طرق مختلف به ویژه طریق نمادها قابل انتقال است. تا زمانی که نمادها پایدار و قابل شناخت باشد آن فرهنگ نیز پایدار و قابل شناخت خواهد بود. با پیگیری تطبیق و تکامل فرهنگ و به طبع آن نمادهای آن در یک محیط خاص می‌توان به ارتباط برخی رویدادهای زمانی و مکانی دیگر با پدیده‌های فرهنگی رایج در یک جامعه پی برد. «بوم‌شناسی فرهنگی» نظریه‌ای است که در یک محیط خاص به بررسی ارتباط و ویژگی‌های محیطی با فرهنگ یک جامعه می‌پردازد (عزیزی، ۱۳۹۱، ص ۶۲)؛ بدین ترتیب بوم‌شناسی فرهنگی به مطالعه نحوه انطباق انسانها با محیط می‌پردازد و فرایندی که جوامع را قادر به بقا می‌سازد، پیگیری می‌کند. در این فرایند محصولاتی تولید شده و یا محیط تغییر می‌کند و در مقابل چنین فرایندی ممکن است تغییراتی در زبان، نمادها و غیره به طور هم‌زمان و یا در ادوار مختلف به وجود بیاورد. بوم‌شناسی فرهنگی بر این باور است که محیط طبیعی در مقیاس خرد یا قدری که معیشت جوامع بر پایه آن است مهمترین نقش را در سازماندهی اجتماعی و دیگر نهادهای انسانی دارد. بوم‌شناسی فرهنگی در سال ۱۹۵۵ توسط «جولیان استیوارد» به وجود آمد و وی از آن به عنوان روشی برای شناخت چگونگی سازگاری انسانها در تنوع گسترده‌ای از محیط استفاده کرد. به نظر وی با روش‌هایی فرهنگ برای سازگاری با محیط مجبور به تغییر می‌شود و این تغییرات در بوم‌شناسی فرهنگی شناخته می‌شود (Joralemon, 2010). نکته مهم اینکه هر تغییر خاص در سازگاری انسان در قسمتی از میراث تاریخی و در تکنولوژی‌ها، اعمال و دانشی که به مردم اجازه زندگی در یک محیط را می‌دهد، رخ می‌نماید. امروزه مفهوم بوم‌شناسی فرهنگی یک نظریه عمومی و به عنوان یک پارادایم در علوم انسانی و طبیعت شناخته می‌شود و این موضوع پیونددهنده اطلاعات بسیاری در یافته‌های رشته‌های گوناگون نظیر علوم انسانی و علوم تجربی است (Joralemon, 2010). طبق نظریه استیوارد شاخص‌هایی از فرهنگ

در فرایند انطباق‌پذیری با پشتوانه تاریخی در مکان‌های خاص توسعه می‌یابد، بر اساس این نظر سه نکته اساسی قابل ذکر است:

۱. فرهنگ‌ها در محیط‌های مشابه ممکن است به طور مشابه سازگار شوند.
۲. تمام سازگاری‌ها تا زمانی که تغییرات محیطی رخ نداده است تداوم دارند.
۳. تغییرات انطباق‌پذیری ممکن است موجب تغییر و یا دگرگونی کامل یک فرهنگ شود. این تغییرات به عنوان تکامل چند خطی در تقابل با تئوری‌های تک خطی قرن ۱۹ و پیش از آن ارائه شده است (Zarin, 2010, p.41).

«استیوارد» پیش از تبیین بوم‌شناسی فرهنگی، فهم فرایند یا علل تحول فرهنگ را مورد مطالعه قرار داده است. وی بر عامل بوم‌شناسی به عنوان عاملی مهم و نه تنها عامل در تعیین تحولات فرهنگی تاکید دارد. در سیر روند تکاملی بوم‌شناسی فرهنگی می‌توان تمرکز این مطالعات را بیشتر بر فرهنگ‌های خاص و گاه وجوه خاصی از فرهنگ در محیط‌های خاص دانست (مارکت، ۱۳۸۳، ص ۱۹۲). در این شاخه دانشی برخی واژه‌ها کاربرد تخصصی دارند که بایستی تعریف شوند:

۱. «بوم‌شناسی»: مطالعه زیستگاه و شیوه‌های زندگی و تعامل بین همه موجودات زنده در یک محیط مشخص است.
۲. «اکوسیستم»: ارگانیسم‌های زنده و محیط‌های آن‌ها به همراه هم یک اکوسیستم یا نظام سازوکار شکل‌یافته‌ای از مبادلات و جریان‌ات انرژی را شکل می‌دهند.



نمودار ۴. فرآیند طراحی بوم‌شناسانه منظر؛ مأخذ: Steiner, 2000

شاخصه های بوم‌شناسی فرهنگی

عموم مباحث بوم‌شناسی فرهنگی، محیط را دارای ویژگی‌هایی معرفی می‌کنند که به طور احتمالی می‌تواند بر خصایص یک جامعه تاثیرگذار باشند. پژوهشگران این رشته مدعی‌اند چهار قلمروی اصلی در جامعه وجود دارد که به طور خاصی از محیط تاثیر می‌پذیرند: الف) تقسیم کار؛ ب) اندازه و ثبات جمعیت؛ ج) توزیع گروه‌ها در فضا؛ و د) قوانین اقامتی.

قلمروی چهارم (قوانین اقامتی) به طور مستقیم شیوه‌خانه‌سازی و الگوی سکونتی را تعیین می‌کنند، گرچه نمی‌توان قلمروهای دیگر را بی‌تاثیر دانست. در این قلمرو مفاهیم کلیدی وجود دارد که برای درک بیشتر الگوی سکونت مفید می‌باشد:

۱. «سازگاری»: فرآیند طولانی مدت فرهنگی به منظور حفظ تعادل بین طبیعت و منابع طبیعی در یک محیط مشخص را گویند. این فرآیند دوسویه است. گاه ممکن است یک گروه اجتماعی استراتژی‌ها و ابزارهای خود را به منظور سازگاری با یک محیط خاص و

یا استفاده بهتر از آن تغییر دهند. گاه ممکن است از عناصر جدیدی از آن محیط بهره ببرند و یا آن محیط را به طور کامل دگرگون سازند. ارتقاء موقعیت رفاهی و زیستی انسان در محیط با فرآیند سازگاری انجام می‌شود و منجر به تغییرات در محیط و فرهنگ می‌گردد؛ البته این به معنای تبعیت مطلق فرهنگ از محیط نیست (فکوهی، ۱۳۸۶، ص ۳۱۸).

۲. «علیت دوطرفه»: رابطه میان فرهنگ و محیط به عنوان یک اصل موضوعی در بوم‌شناسی فرهنگی است از نظر بوم‌شناسان فرهنگی محیط و فرهنگ حوزه‌های مستقلی نسبت به هم نیستند و رابطه بین آنها دیالکتیکی است و در اینجا واژه علیت دوطرفه را برای نشان دادن تعامل بین آن‌ها به کار می‌برند. یعنی محیط به فرهنگ واکنش نشان می‌دهد و برعکس لذا این تعامل دو سویه است نه تقابلی و خطی. این رابطه بین دو متغیر فوق را نمی‌توان ثابت در نظر گرفت بلکه بسته به موضوع سهم هریک از آن‌ها می‌تواند متفاوت باشد (Hardesty, 1977)

۳. «هسته فرهنگ»: هسته فرهنگ عاملی فرهنگی است که بلافاصله با دنیای فیزیکی و محیط ارتباط می‌یابد و به نوعی یک ماده یا استراتژی خلاقانه در درون یک فرهنگ است. هسته فرهنگ یا الگوی تداوم حیات در طول زمان، در واکنش به بخش‌های مربوط به یک محیط خاص و موثری که از آن استفاده می‌شود (خاک، آب، هوا و غیره) متحول شده است. علاوه بر این هسته فرهنگ به عنوان یک ویژگی فرهنگ به نوبه خود ممکن است سایر ویژگی‌های فرهنگی (سازمان اجتماعی) را شکل دهد. از اینرو ایده هسته فرهنگ نوعی نقش تعاملی را در شکل‌دهی به تحولات فرهنگی، به محیط و فرهنگ محول می‌کند. از نگاه بوم‌شناسی فرهنگی همه مقولات محیطی و فرهنگی به هم مربوطند اما هسته فرهنگ بخش‌هایی از فرهنگ است که ارتباط نزدیکتری با محیط دارد و در تعریف دیگر، منظور از هسته فرهنگ، مجموعه ویژگی‌ها و مکانیزمها و استراتژی‌هایی است که در هر فرهنگی در امر تامین معیشت وجود دارند (فکوهی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۸).

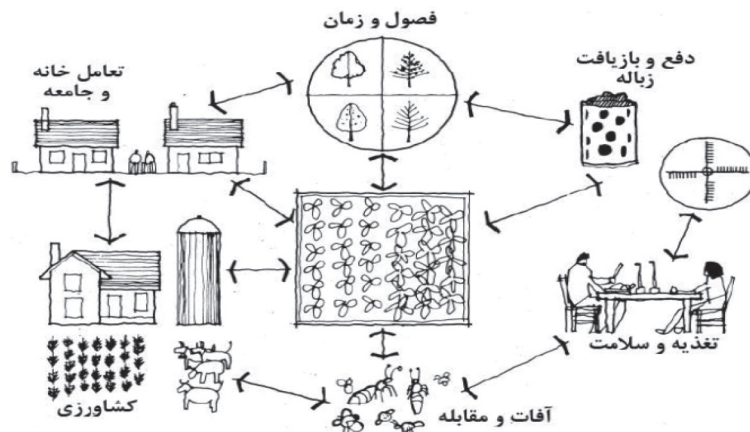
۴. «زمان‌مندی»: کارکردهای ارجاعی نمادها در محیط دارای مولفه‌هایی زمان‌مند است و مرجعی برای تشخیص گذشته، حال و آینده می‌باشد. به نظر برخی بوم‌شناسان فرهنگی جوامع بومی حامل گذشته-شان هستند و همواره به تاثیر از آن فعالیت می‌کنند. هر فرد در جامعه سنتی تصور منسجم و یکپارچه‌ای از مکان سکونت دارد که به وسیله مفهوم گذر زمان به هم پیوسته می‌شود (Zarin, 2010, p. 75).

۵. «تعلق مکانی»: زمانی سکونت برای یک اجتماع معنی پیدا می‌کند که در یک فضای مادی شروع به ساختن نماید و نحوه معیشت خود را نیز در آن مکان و به وسیله تکنولوژی‌های درخور و پاسخگو تامین نماید. در موضوع سکونت در یک مکان ارتباطات پیچیده‌ای بین افراد و مکان سکونتشان به وجود می‌آید که متغیرهای

متعددی در آن‌ها دخیل هستند. زمانی مکان‌ها نام‌گذاری می‌شوند که آنها بیشتر در چشم باشند و احساس شوند و نام‌گذاری مکان منجر به ساخت آن می‌شود. احساسات، شناخت و رفتارهای ارجاعی با محیط، عامل ایجاد تعلق به آن است و در این تعریف نمی‌توان عملکردهای نمادین را فراموش نمود (Zarin, 2010, p. 41).

۶. چشم‌انداز فعالیت: این مفهوم از تحقیقات اینگلد گرفته شده است (Ingold, 1995). وی در تکمیل مفهوم چشم‌انداز (Land scape) از چشم‌انداز فعالیت استفاده نموده و منظور وی فعالیت‌های ترکیبی سکونت به عنوان Task یا وظیفه تعریف می‌شود که در فعالیت‌های اجتماعی و تکنیکی به صورت نهفته وجود دارد. چشم‌انداز فعالیت به آداب نمادین یا کارکردی دسته‌جمعی در چشم‌انداز مربوط می‌باشد. در نظر اینگلد چشم‌انداز فعالیت همان چشم‌انداز است اما به صورت پنهان. چشم‌انداز فعالیت نشان‌دهنده برشی از سکونت است به ویژه فعالیت‌هایی که سکونت مردم در مکان را ممکن می‌کند. چشم‌انداز فعالیت موجب تعلق به مکان می‌شود. اعمال ظاهری (تکنیکی) فرد از فعالیت‌های اجتماعی وی ناشی می‌شود (Zarin, 2010, p. 82).

پایداری بوم‌شناختی را می‌توان در تداوم و ارتقای سلامت و کارکردهای اصلی محیط زیست تعریف نمود. اصل مهم در تفکر پایداری نگرش چندمقیاسی - فرامقیاسی نسبت به محیط زیست و مدیریت فعالیت‌های انسانی در چارچوب چنین چشم‌اندازی از محیط می‌باشد. بر مبنای تعریف، هر فعالیت توسعه انسانی (نظیر ساخت محیط انسان ساخت) در حیطه یک یا چند بوم سامانه اصلی اتفاق می‌افتد. لازمه برقراری و یا تداوم حالت پایدار در یک بوم، سامانه همزیستی و ارتباط متعادل تمام ارکان و عناصر آن با یکدیگر و با محیط فراتر می‌باشد.



تصویر ۱. پایداری بوم‌شناسانه در شهر؛ ماخذ: Hough, ۲۰۰۴.

تغییر نگرش طراحان و برنامه‌ریزان، متأثر از دیدگاه‌های بوم‌شناسی نسبت به شهر به عنوان سیستمی پیچیده مبتنی بر علوم زیستی، موجب درک عملکرد واقعی شهر به عنوان سیستمی پیچیده مبتنی بر علوم زیستی، موجب درک عملکرد واقعی شهرها شده است. به این واسطه ایجاد هماهنگی میان انسان و طبیعت برای ساخت شهرهایی که از نظر اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی توان احیا و خودساماندهی داشته باشند، ضروری است (Steiner, 2004).

جدول ۱. خلاصه دستورالعمل فلورانس در نگهداشت بوم‌شناختی فرهنگی شهرها؛ ماخذ: بمانیان و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۴.

دستورالعمل‌ها	رویکرد
ماده ۸: یک "منظر تاریخی"، منظر ویژه‌ای است که به عنوان مثال با یک رویداد یا یادماندنی، یک واقعه تاریخی خاص، یک افسانه معروف یا یک جنگ حماسی یا موضوع تصویری مشهور، پیوسته باشد.	منشور فلورانس
ماده ۹: اگر یک "منظر تاریخی" باید حفاظت شود، نیاز به نگهداری، محافظت و احیاء دارد هنگامی که بازسازی مطابق با واقعیت پیشنهاد شده باشد، "اصلیت منظر تاریخی" نه تنها به طرح و تناسب بخش‌های آن بلکه به عناصر تزئینی یا انتخاب مصالح طرح که برای هر بخش آن پذیرفته شده، بستگی دارد.	
ماده ۱۰: فعالیت "نگهداری"، "حفاظتی"، "احیاء یا بازسازی" یک منظر تاریخی یا هر بخشی از آن، بایستی کلیه امور به صورت همزمان صورت گیرد.	
ماده ۱۱: از آنجایی که عناصر اصلی مناظر فرهنگی را گیاهان تشکیل می‌دهند، حفاظت از آن در شرایطی بدون تغییر، هم از طریق جایگزینی انفرادی و هم از طریق برنامه بلندمدت نوسازی امکان پذیر خواهد بود.	
ماده ۱۵: هیچ‌گونه فعالیت احیاء و بازسازی در مورد "باغ‌های تاریخی" نباید بدون بررسی و مطالعه کامل صورت گیرد.	
ماده ۱۷: هر جایی که یک باغ به طور کامل از بین رفته است یا اطلاعاتی بیش از شواهد حدسی از منظر آن موجود نیست، جای هیچ‌گونه جستجویی برای بازسازی به شکل طبیعی یک باغ تاریخی نمی‌تواند باشد. بازسازی که از شکل سنتی الهام می‌گیرد و در شرایطی چون سایت باغ قدیمی و یا سایتی که دیگر وجود ندارد طراحی شده است، به نوعی خلق اثر یا خاطره متعلق است و دیگر نمی‌تواند به عنوان باغ تاریخی طبقه بندی شود.	
ماده ۲۰: از آنجایی که باغ‌ها مکان مناسبی برای استقرار بازی‌های بی سرو صدا به عنوان فعالیت روزانه می‌باشند، زمین‌های جداگانه در مجاورت باغ تاریخی باید طراحی شود تا بازی و ورزش های زنده و فعال در آن انجام شود. تا خواسته عموم افراد، بدون تعصبی خاص، به حفاظت باغ یا منظر ارضا شود.	
ماده ۲۴: یک باغ تاریخی، بخشی از میراث می‌باشد که بقاء آن (به دلیل طبیعت آن) نیاز به توجه مداوم در زمینه افراد شایسته دارد. پیش بینی‌های آموزشی مناسب برای تربیت افرادی که ممکن است از تاریخ‌نویسان، معماران، معماران منظر و باغبانها باشند لازم است، مراقبت از سوی گیاه‌شناسان به منظور اطمینان از تولید منظم گونه‌های گیاهی در هر موقعیتی لازم باشد.	

جدول ۲. خلاصه دستورالعمل بنگاه پارکهای کانادایی در نگهداشت بوم‌شناختی فرهنگی؛ ماخذ: بمانیان و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۶.

رویکرد	دستورالعمل‌ها
سیاست بنگاه پارکهای کانادایی	- بخش ۳-۴-۱-۲- در انجام فعالیت‌های حفاظتی این بنگاه به طور خاص از اصول احترام به شکل موجود و مصالحی هویت تاریخی یک مکان فرهنگی را تشکیل می‌دهند، آگاه است. فعالیت‌های حفاظتی بدین ترتیب حداقل ممکن تداخل برای دستیابی به اهداف را در برخواهد گرفت.
	- بخش ۳-۴-۴- در مورد سایت‌ها و بناها، اصلاح ممکن است فعالیت‌های احیاء تاریخی را در برگیرد و احیاء به منظور ایمن‌سازی، نگهداری صحیح و قابلیت دسترسی باشد. - احیاء تاریخی به معنای، بهبود دقیق شکل قدیمی تر، ساختمان و اجزاء سایت یا ساختمان براساس شواهد ثبت شده و تحقیقات و تجزیه و تحلیل‌ها از طریق انتقال ملحقات اخیر و جایگزینی عناصر از بین رفته یا تخریب شده دوره قبل تر می‌باشد.
	- بخش ۳-۵-۲-۸- موقعیت‌های خاص، بازسازی تاریخی با برگشت کل بناها یا مجموعه‌ها ممکن است به عنوان بهترین وسیله ممکن برای درک عمومی از عاملی با ارزش در گذشته پنداشته شود. بازسازی تاریخی قادر به اجرا نخواهد بود، مگر آنکه:
	- بازسازی مکان از بین رفته نیاز به مشارکت دانش‌های فنی، علمی و تاریخی باشد؛ و
	- هزینه بازسازی شامل نگهداری و عملیات مربوط به آن ممکن است در ارتباط با اهمیت تاریخی و امکانات قابل تفسیرکار بازسازی باشد.
	- اگر این نکات برآورده شوند، بازسازی تنها زمانی قابل انجام خواهد بود که:
	- آثار مهمی برای حفاظت نباشند که بازسازی آن‌ها را تهدید کند؛ و
	- اطلاعات پژوهشی کافی برای حمایت از بازسازی صحیح وجود دارد.
	- بخش ۳-۵-۱-۳- با توجه به برنامه و رویدادهای خاص، بنگاه پارک‌های کانادایی امیدوار است که فعالیت‌هایی که با اصول مدیریتی مکان‌های تاریخی سازگار هستند، برای پارک ملی ویژه، سایت تاریخی ملی یا کانال تاریخی مناسب باشند و آیین بنگاه آن‌ها را قبول می‌کند.
	- بخش ۳-۵-۳-۳- رویدادهای خاص در جایی که به طور مستقیم با تقدیر و تحسین عموم از موضوعات تاریخی ارتباط دارند، باعث دلگرمی خواهند شد.
- بخش ۳-۵-۴-۳- رویدادها و کاربردهای خاص به مکان تاریخی و هویت آن احترام خواهند گذاشت و به ایمنی، مشاهدات و لذات بازدیدکنندگان لطمه نمی‌زنند.	



بوم‌شناسی فرهنگی و جهان‌بینی

در بوم‌شناسی فرهنگی فرهنگ عامل انسجام و ترکیب‌کننده اجزای گوناگون هر اکوسیستمی که انسان نیز جزئی از آن است، می‌باشد. مطابق با نظر «استیوارد» صافی فرهنگی دارای یک نقش فعال می‌باشد که تأثیرات محیط را روی فرهنگ روشن می‌سازد. با توجه به مفهوم اکولوژی، نه بیولوژی انسانی و نه فرهنگ او، نه محیط طبیعی و نه محیط زیست انسان، بدون تأثیر و ارتباط بر یکدیگر، نمی‌توانند به طور جداگانه از م وجود داشته باشند (شکویی، ۱۳۷۲، ص ۳۴۰). در مورد هستی‌شناسی مرتبط با بوم‌شناسی فرهنگی برخی پژوهشگران همچون «پیتر بوردی» (Bourdieu, 1977) از فلسفه پدیدارشناسی کمک می‌گیرند و بوم‌شناسی فرهنگی و دیگر پژوهش‌های پارادایم عملگرایی و یا اثبات‌گرایی را با فلسفه پدیدارشناسی تکمیل می‌کنند. تمرکز پدیدارشناسان بر مفهوم بودن در جهان و ارتباط آن با مکان و معنای سکنی‌گزیدن با مباحث مطرح در بوم‌شناسی فرهنگی قرابت

می‌یابد. در نظر برخی بوم‌شناسان سکنی‌گزیدن تجربه جدای از محیط نیست و از دانش حاصل از تجربیات حیاتی در محیط که نظام ترجیحات آنان را شکل می‌دهد؛ پدید می‌آید (Zarin, 2010, p. 75). این‌که فعالیت‌های انسان‌ها در محیط و استفاده مکرر آن‌ها از برخی اشیاء موجود در محیط (چشم‌انداز فعالیت) نقش این اشیاء را از ابزار صرفاً مکانیکی به اشیاء قابل ارجاع به یک مفهوم یا فعالیت بدل می‌سازد را می‌توان با مفهوم‌های دیگری در مورد گرد هم آوری چیزها در «سکنی‌گزیدن» مقارن دانست (Zarin, 2010, p. 75) بدین ترتیب در رویکرد بوم‌شناسی فرهنگی با وجود تأکید بر عوامل پیچیده ارتباط انسان و محیط که صرفاً مادی نیست و در عوامل ژنتیکی و ناخودآگاه جمعی ریشه دارد همچنان جهان‌بینی از درون بینش متریالیستی بیرون می‌آید و پافراتر از آن نمی‌گذارد. در جدول ۳ می‌توان گرایش‌های گوناگون بوم‌شناسی فرهنگی و شاخص‌های روش‌شناختی هر گرایش را مشاهده نمود:

جدول ۳. گرایش‌های گوناگون بوم‌شناسی فرهنگی؛ ماخذ: مارکت، ۱۳۸۳.

عنوان گرایش	شاخصه‌های نظری	شاخصه‌های روش شناختی	اندیشمندان مهم
رویکردهای تاریخی و مادی	مفاهیم استیوارد در مورد هسته فرهنگ و محیط موثر مادی گرایی فرهنگی تاکید بر فرایندهای تاریخی	تاکید بر امور خانگی به عنوان واحد تحلیل کاربرد مستمر از تحلیل جمعیت شناختی	مک نتینگ، ویاژو، لی، لوفگرن، پالسون، فریک، بنت
رویکردهای شناختی - اعتقادی	ارتباط با زبان شناسی و گیاه شناسی قومی اشاره به جنبه‌های شناختی و تاویل جمعیت نقش مفاهیم محیطی و باورها علاقه به جامعه شناسی طبیعت	مقوله بندی اصطلاحاتی که برای دنیای طبیعی به کار می رود	کونکلین، راپاپورت، دسکولار، پالسون، کرول، پارکین، میلتن
رویکردهای تعامل گرا	تاکید بر تعامل دوسویه بین گروه‌های انسانی و محیط مسائل مرزی ایده انواع بوم استراتژی‌ها و فرایندهای سازگاری تاثیرات نظریه عملگرا	خانه به عنوان واحد تحلیل تاکید ویژه بر جوامع کشاورزی تحلیل جوامع	بارت، سالین ها، وولف، گوتس، اینگلد
رویکردهای کاربردی	تاکید بر مشکل توجه به مکان‌هایی که تلاش محیطی در آن رخ داده است رویکردهای بوم شناسی سیاسی به تاثیر از اقتصاد سیاسی	تحلیل فرایندهای تصمیم سازی انسان (مثلا تصمیم گیری در مورد نحوه استفاده از زمین)	ویلک، چینینگ، اسکمینک، وود، شریدن

(Bridson 2012, 1). حیاط تقریباً در تمام دوره‌های تاریخ معماری، در هر بخشی از جهان به عنوان یک عنصر سازماندهی در تمام انواع ساختمان، استفاده می‌شود. خانه‌ها، کاخ‌ها، صومعه‌ها، مساجد، مدارس، ساختمان‌های اداری و خصوصی. از پیدایش خانه‌های سنتی تاکنون، توجه به خانه‌های حیاط دار به هفت هزار سال قبل از میلاد در «چاتال هویوک»^{۱۹} (آناتولی) و ده هزار سال قبل از میلاد در پکن (چین) مربوط می‌شود (Eyüce 2012, 22). گونه‌هایی را که در طول تاریخ معماری پایدار می‌مانند می‌توان به دلیل دارا بودن ارزشی عمومی «گونه کلی» خواند. به هر صورت، این گونه‌های کلی گاه ناپدید شده و از نو پدیدار می‌گردند (نوربری شولتز ۱۳۹۲، ۲۰۰)؛ چنانچه استحصال آب به وسیله سیستم قنات

۳- بوم‌شناسی فرهنگی و الگوی سکونت در ایران
در بوم‌شناسی فرهنگی کنش متقابل محیط و انسان به گونه‌ای منسجم «زیست-جهان» انسان را تشکیل می‌دهد. محیط با ویژگی‌های خود مبانی فکری ساکنانش را می‌سازد و عینیت‌های موجود در محیط در دنیای ذهنی انسان‌ها محمل معانی بسیاری می‌باشد. کنش‌های خلاقانه انسان‌ها در ساخت ابزار و بهره‌گیری از محیط در خود محیط نهفته است. محیط توان‌های بالقوه خود را در عینیت‌های ملموس به انسان می‌نمایاند و این موضوع در واژه «تخنه» (Techne) یونانی که به معنی «بازگشایی» خلاقانه حقیقت و ریشه‌واژه تکنولوژی است قابل توضیح می‌باشد (شولتز، ۱۳۸۸، ص ۲۷).
گونه «مسکن حیاط‌دار» تقریباً از زمانی که انسان در حال ساخت خانه خود بوده است، وجود داشته است

در ایران و ساخت بادگیر در بناهای مسکونی ایرانی به وضوح تکنولوژی‌هایی هستند که ریشه در شرایط محیطی دارند و الگوی یکجانشینی ایرانیان را تکمیل و تثبیت می‌کند. هرچند نمی‌توان تکنولوژی را جبراً معلول محیط دانست چرا که با دست‌یابی به تکنولوژی، محیط نیز دستخوش تغییر می‌گردد، با تغییر محیط زیست جهان نیز دگرگون می‌شود و با تغییر زیست جهان و جهان بینی تغییر مجددی در تکنولوژی ایجاد می‌گردد. بوم‌شناسان فرهنگی چنین تاثیرگذاری و تاثیرپذیری را به عنوان علیت دو طرف شرح می‌دهند. پدیدارشناسان نیز تثبیت سکوت انسان در مکان را در چنین ارتباطی و با عبارت «گردآوری چیزها» و «باشیدن» (bauen) تعبیر می‌کنند. زمین عرصه-ای است که زندگی روزانه انسان در آن رخ می‌دهد. می‌توان آن را تا اندازه‌ای با تکنولوژی شکل داد و به رابطه‌ای فرا عینی رسید. بدین طریق چشم‌انداز طبیعی تبدیل به چشم‌انداز فرهنگی می‌شود، یعنی محیطی که در آن انسان مکان خود را درون یک کلیت بدست آورده است (شولتز، ۱۳۸۸، ص ۶۴).

در الگوی سکونت ایرانی به ویژه مناطق در مرکزی و شرقی زیست جهان عینی به موجودیت‌های ساده و محدود تقلیل می‌یابد، این مناطق دارای زمین مسطح و یکنواخت با افقی در دور دست و آسمانی بلند و عموماً بدون ابر با خورشیدی سوزان که حرکتش در آسمان و تغییر مسیر حرکتش در فصول مختلف از خاور به باختر کاملاً قابل درک است. زمین و آسمان در این منطقه شرایط دشواری را برای زندگی انسان ایجاد می‌کنند و نظم و ضرب‌آهنگ زندگی و شبانه روز به واسطه آسمان پر ستاره شب و پرنور روز ادراک می‌شود. می‌توان آسمان این منطقه را پویاتر از زمین آن دانست و بدیهی است که مردمان این سرزمین توجه ویژه‌ای به آسمان داشته باشند، توجه برای جهت‌یابی از روی خورشید و ستارگان مکان افراد را نیز وابسته به آسمان نموده است و ابعاد روحانی و شگفتی‌های غیر زمینی به واسطه چنین کاربرد آسمان که مکان افراد را تعیین می‌کند همواره در جهان بینی ایرانیان حضور داشته است هرچند این بدان معنا نیست که علت ظهور و گسترش ادیان الهی به ویژه اسلام در این سرزمین شرایط محیطی آن است بلکه ارتباط تعاملی یا علیت دوطرفه را می‌توان برای آن ذکر نمود. ساکنان این سرزمین نیز با استفاده از ابزارهایی که محیط در اختیارشان گذاشته به کشف و بالفعل سازی توانش‌های بالقوه آن پرداخته‌اند و از آنجا که شرایط محیطی سخت،

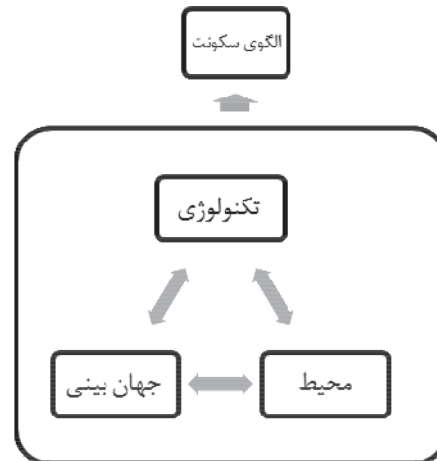
محدودیت‌های پرشماری برای زندگی ایجاد نموده است با اتکا به تکنولوژی و در شرایط خاصی سکونت را شکل داده‌اند. بنابر این سکونت در ایران معلول علت‌هایی است که آن علت‌ها در کنش متقابل و تعامل دوطرفه با هم هستند و این علت‌ها عبارتند از محیط، جهان بینی و تکنولوژی.

علاوه بر توپولوژی و نوع اقلیم ایران عامل محیطی دیگری که بر الگوی سکونت تاثیر بسزایی دارد مکان جغرافیایی سرزمین ایران است که به عنوان پلی از شرق به غرب بوده و از نظر ذخایر طبیعی نیز اهمیت زیادی در طول دوران داشته است چنین شرایطی همواره برای ساکنان مخاطرات امنیتی را به همراه داشته و لزوم وحدت و اتحاد جوامع را به یکی از ملزومات اجتماعات ساکن بدل ساخته است و در چنین جمع‌گرایی برگرفته از محیط و در تعامل با فرهنگ ایران همچون آداب صله رحم و دیدار و بازدید نوروز نمایان می‌شود و هرچند نمونه‌های پیش از مدرنیته به واسطه وجود خانواده‌های گسترده که در خانه‌های سنتی ایران ساکن بودند مثالهای ملموس تری از الگوی سکونت ایرانی را نمایان می‌سازند. الگوی سکونت ایرانی همچون شریعت اسلامی که علاوه بر ابعاد فردی عبادت و تفکر در کنار ابعاد اجتماعی آن تاکید دارد، سلسله‌مراتبی از خلوت و حضور در جمع را ایجاد می‌کند. شگفتی‌های آسمان دور از دسترس تعبیری خاص هر فرد را ایجاد می‌کند و شرایط امنیتی لزوم تعلق به یک جمع را حیاتی می‌سازد. بدین ترتیب چشم‌انداز فعالیتی (Task scape) اجتماع ایرانی دارای دو بعد جمعی و فردی برگرفته از محیط می‌باشد.

خانواده گسترده بر خلاف خانوارهای پراکنده امروزی شامل سه نسل از اعضای یک خانواده شامل پدربزرگ و مادربزرگ، فرزندان و نوه‌ها می‌باشد و بدین ترتیب خانه به عنوان ظرف چنین مظلوفی دارای قدمتی برابر حداقل سه نسل می‌باشد (صرفیان پور، ۱۳۹۰، ص ۲۸۲) و هر فرد شاهد زندگی نسل‌های گذشته خود در مکان زندگی می‌باشد و همانند پیوند خانوادگی از نظر زمانی نیز با گذشته پیوند می‌خورد و زمانمندی به عنوان دیگر مولفه بوم‌شناسی فرهنگی در الگوی سکونت ایرانی قدمتی حداقل سه نسل دارد. الگوی سکونت ایرانی در مکانی پدید آمده است که با انواع تکنولوژی‌ها شرایط محیطی سخت را به شرایط مساعد زیستی بدل ساخته است و نیز بر اساس مطالبات ساختاری خانواده گسترده طیفی از فضا از خصوصی‌ترین به عمومی‌ترین فضا را در دسترس



ساکنان قرار می دهد و با توجه به زمانمندی آن، عناصر گوناگون علاوه بر کارکرد فیزیکی کارکرد ارجاعی نیز یافته اند؛ بدین ترتیب ورود عناصر محیطی و تکنولوژیکی به فرهنگ، تعلقات مکانی را به عنوان دیگر مولفه بوم شناسی فرهنگی باعث می شود.



نمودار ۴. عوامل موثر بر الگوی سکونت در ایران؛ مأخذ: نگارندگان

برای به دست آوردن یک معماری منطبق بر سایت و یک ساختمان پاسخگو به اقلیم، باید متغیرهای طراحی مانند جهت گیری، ابعاد و هندسه فرم ساختمان و ویژگی حرارتی مصالح، در ساختمان در نظر گرفته شود. ساختمان سازی در اثرات جانبی شرایط دشوار طبیعت برای انسان ریشه دارد. خانه سنتی بومی، حاصل مبارزه و هماهنگی بین انسان و طبیعت است. فن آوری زیستی- اقلیمی، که با شرایط طبیعی محل سازگار شده، در خانه های سنتی در سراسر جهان استفاده شده است. حتی در منطقه ای با شرایط آب و هوایی شدید، فن آوری های موثر و پاسخگو به اقلیم را می توان در خانه سنتی یافت (Xu, Zhang and Xie 2006, 1). حیاط یکی از عناصر معماری سنتی است که همه فضاهای یک ساختمان پیرامون این فضای باز و مستطیلی قرار گرفته است. این ساختار فضایی، عملکرد محیطی و اجتماعی دارد و در حالیکه به عنوان یک منبع نور و گرما و هوای تازه عمل می کند، یک فضای خصوصی می سازد (Cho and Mohammadzadeh 2013, 2326). «حیاط» به عنوان یک عنصر سازماندهی فضایی خانه، خصوصی سازی یک فضای باز کاملاً تحت کنترل ساکنان خانه است؛ که تقسیم فضایی روشن از حوزه های عمومی و خصوصی فراهم می سازد. به عنوان یک عنصر کنترل

کننده اقلیمی، به عنوان یک تنظیم کننده اتلاف حرارت عمل می کند (Eyüce 2012, 22). با وجود این واقعیت که تمام ساختمان های سنتی در هماهنگی با طبیعت هستند و اگر چه فرهنگ های مختلف رویکردهای خود را در مقابله با تاثیر نیروهای طبیعی دارند، نمونه های متعددی از فرهنگ های مختلف در منطقه جغرافیایی مشابه سکونت داشته و به فرم ساخته شده خود به روش خود شکل داده اند. بنابراین خانه های حیاط دار به عنوان اجزای سکونت، در درجات مختلفی از تراکم و بسته به تفسیر فرهنگی از محیط زیست طبیعی ظاهر می شوند (Eyüce 2012, 22). در شناخت مفهوم خانه حیاطدار، تمایز میان فرم و شکل ممکن است مفید باشد. فرم اشاره به اساس سازماندهی فضا (و همچنین زمان، مفهوم و ارتباطات) دارد. در این راستا، اهمیت تغییر در شکل و یا مصالح کمتر از روابط میان حوزه ها است. به عنوان مثال بر اساس این تمایز، روستاهای گینه نو و نمونه های قابل مقایسه از آمازون برزیل، اهمیت نسبی شکل خانه و فضاهای مرکزی در مقابل فرم آن را نشان می دهد. این مثال نشان می دهد که حیاط می تواند مربع، مستطیل، گرد یا بی شکل باشد و حدود آن را می تواند به روش های مختلف تعریف شود (Rapoport 2007, 58).

جایگاه حیاط در الگوی سکونت ایرانی

در قسمت های پیشین تاثیر عوامل محیطی شامل اقلیم، توپولوژی و مکان جغرافیایی در الگوی سکونت به سه صورت تکنولوژی، جهان بینی و نوع معیشت ذکر شد و در ادامه حیاط خانه ایرانی به عنوان نمونه فضای کالبدی برآمده از الگوی سکونت ایرانی معرفی خواهد شد. حیاط خانه ایرانی فضایی است که همزمان از کنش و تعامل متقابل تکنولوژی، جهان بینی و نوع معیشت ساکنان پدید آمده است و نشانگر سازگاری انسان با مجموع شرایط محیطی است. در شرایط محیطی قسمتهای عمده ای از فلات مرکزی ایران ایجاد مکانی برای آسایش انسان تنها با ساختن فضایی محصور و جدا شده از اطراف امکان پذیر است که خرد اقلیمی در حد یک خانه را پدید می آورد. تبعیت این فضا از نظم برآمده از محدودیت در ابتدا ضرورت است سپس این موضوع در هماهنگی با اندیشه کیهانی و پیروی از هندسه و نظم برگرفته از آن قرار گرفته و بیان قدرتمندی می یابد. شرایط زیستی بوسیله تکنولوژی اقلیمی معماری و استحصال آب در یک حیات محصور که در بیشتر موارد پایین تر از سطح

معايير واقع شده است ايجاد مي گردد به طور همزمان شرايط نامساعد خارجي تصور فضاي آرماني را به عنوان هسته فرهنگ (بخشي از فرهنگ كه متاثر از محيط است) به صورت مكاني سرسبز با حضور آب مي نمايند. همچنين نوع معيشت به صورت خانواده گسترده الزام بهره گيري تمام اهالي خانواده از اين فضا را ايجاد مي كند و فصل مشترك چنين گرايشات همزماني در حياط خانه ايراني متجلي مي گردد. در ادارمه به تشریح چگونگی انطباق الگوی حياط خانه ايراني با عوامل برگرفته از محيط پرداخته خواهد شد.

۴- حياط خانه ايراني به مثابه تكنولوژی اقليمي

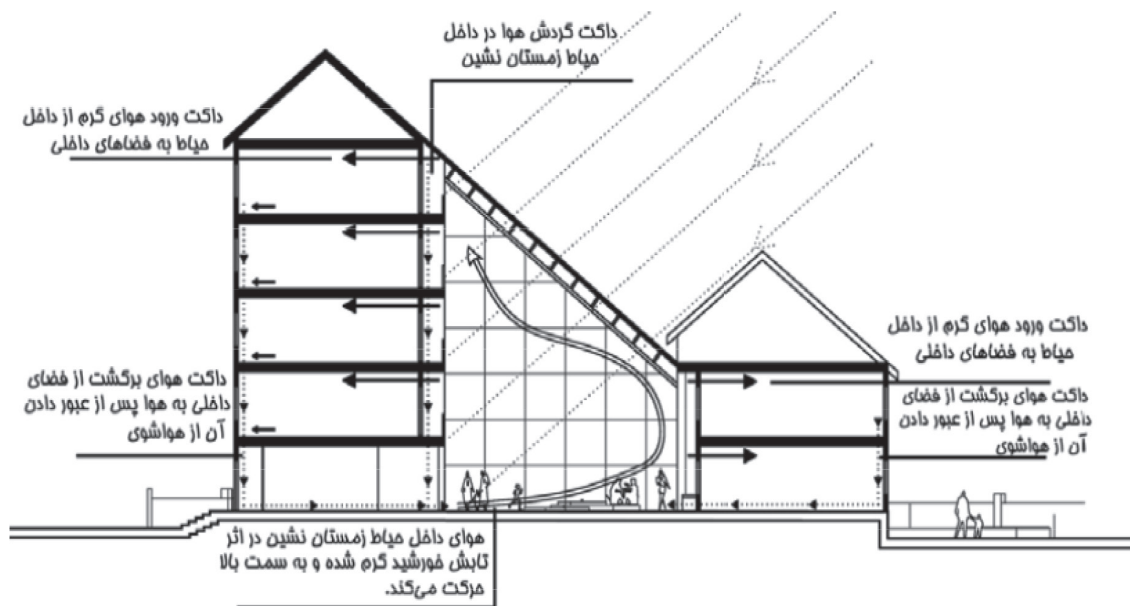
استاندارد بالای زندگي منجر به اقليمي شدن ساختمان ها شده است. سيستم های سرمايش و گرمایش بدون هرگونه سازگاري با ساختمان ها نصب مي شوند كه اين وسايل جديد، منجر به مصرف انرژي بيش از حد و هزينه بالا مي گردند و همچنين ممكن است به ساختمان آسیب برساند. ساختمان های اخير بدون سيستم اقليمي فعال، منجر به هزينه بالا و خطرات سلامتي خواهند شد (Rosenlund 2000, 4). «حياط»، يكي از عناصر معماری بومي است كه سابقه بسيار طولاني در فضاي مسكوني بشر داشته است. تجربه حياط به عنوان صحنه درونگرا از زندگي

روزمره، ويژگي های مشخص از معماری است كه دوباره و دوباره در فرهنگ های مختلف و تحت تفاسير متفاوت ظاهر مي شود. در كهن الگوي خانه حياطدار سنتي، حياط هميشه در مركز، هسته حياتي خانه را تشكيل مي دهد. معماری مدرن از طريق مجموعه ای از فعاليت ها كه هميشه شامل يك جزء برگرفته از كهن الگوي خانه حياطدار سنتي است، به مفهوم حياط نزديك است (J. Ferrer Forés 2010, 841). در اقليم گرم و خشك فلات مركزي ايران كه در معرض تابش و سياه بادهای كويري قرار دارد بافت شهري به صورت متراكم ساخته مي شود و حياط مركزي راهكاري مناسب جهت ايجاد فضايي محفوظ از سياه باد مي باشد. جهت گيري حياط نيز به گونه ای تعيين مي شود كه با سايه اندازي جداره ها روی هم يا به واسطه انواع سايبان ها از شدت تابش تابستان كاسته شود و درختان در اين سيستم نقش سايبان هايي را ايفا مي كنند كه در تابش مايل خورشيد در صبح و بعد از ظهر بهتر از تابش بندها عمل مي نمايند. جهت گيري فضاها در اطراف حياط نيز به گونه اي بوده است كه در كنج های حياط فضا های خدماتي و در بدنه فضا های اصلي جانمايي مي گردد (قباديان، ۱۳۸۵، ص ۱۳۱).

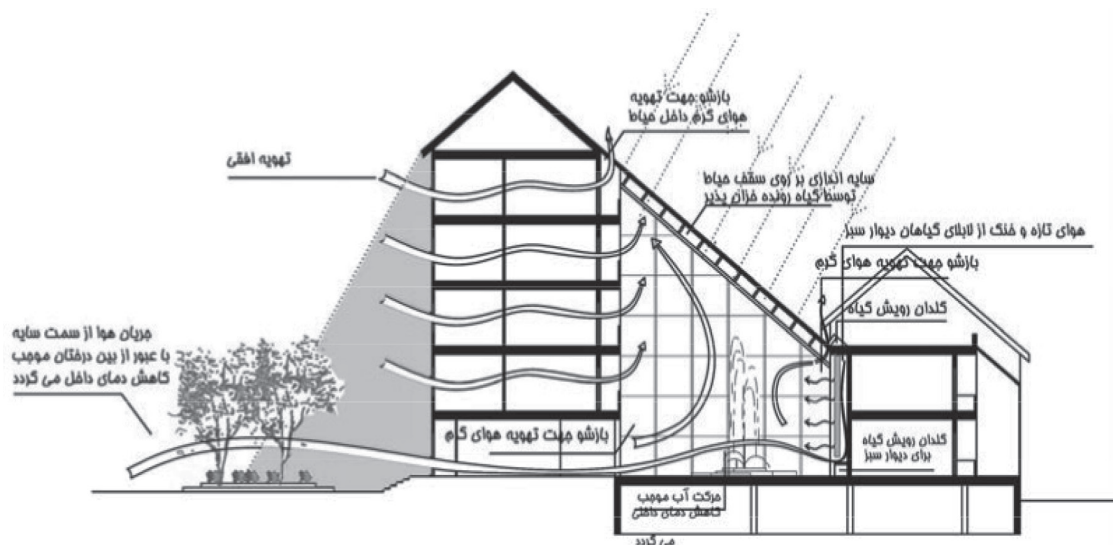
مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

۴۴۵



تصویر ۲. کارکرد زمستانی حياط زمستان نشين در اقليم سرد و خشك؛ ماخذ: هاشمی و حیدری، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴.



تصویر ۳. کارکرد زمستانی حیاط تابستان نشین در اقلیم سرد و خشک؛ ماخذ: هاشمی و حیدری، ۱۳۹۰، ص ۱۴۵.

۵- حیاط به مثابه فضای امن خانوادگی

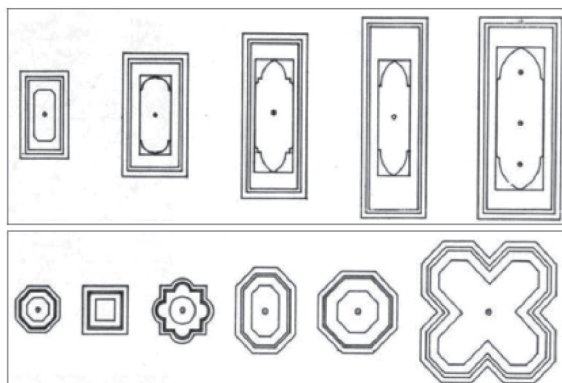
یکی از مهم ترین نقش‌های حیاط در سکونت به سبک ایرانی اهمیت کارکردی حیاط است. این فضا به عنوان فضای تجمع اعضای خانواده و انجام برخی فعالیت‌ها همچون بازی کودکان، استراحت و ورزش برای مردان و انجام برخی کارهای منزل توسط بانوان، به عنوان اتاق فراخ بدون سقف عمل می‌کند (حائری، ۱۳۸۸، ص ۱۷۹). حیاط فضای امنی برای تمام اعضای خانواده گسترده ایجاد می‌کند. همانگونه که در الگوی سکونت ذکر شد ایرانیان به واسطه مکان جغرافیایی سرزمینشان، در دوران زمانی متعددی با ناامنی مواجه بودند و تاثیر این موضوع بر الگوی سکونت را می‌توان در کاهش روزه‌ها به معیار عمومی و درونگرایی خانه‌های ایرانی مشاهده نمود. علاوه بر این ضرورت همبستگی در چنین شرایطی ایجاد خانواده‌های گسترده می‌باشد که به طور سنتی توسط بزرگ‌خانندان مدیریت می‌شود. حیاط نیز به عنوان بخش جمعی خانواده دسترسی آسانی برای تمام افراد ایجاد می‌کند و به عنوان قلب بنا و مایه حیات و تغذیه تمام قسمت

به چهار دلیل سطح حیاط را پایین‌تر از سطح معابر می‌ساختند که عبارتند از: ۱- ایجاد حرکت آبهای روان سطحی به داخل حیاط و ذخیره آن در آب انبار و نیز آبیاری باغچه‌ها ۲- استفاده از خاک گودبرداری شده به عنوان ماده اولیه خشت‌های ساختمان در صورت مناسب بودن خاک ۳- کاهش تبادل حرارتی داخل به خارج و استفاده از تعادل حرارتی داخل زمین ۴- انتقال نیروی رانشی جداره‌ها به تکیه‌گاه عمودی جداره‌های گود برداری شده (قبادیان، ۱۳۸۵، ص ۱۳۴). حیاط خانه ایرانی با ایجاد شرایط زیستی مناسب می‌تواند محل پرورش انواع درختان مثمر باشد و با تامین میوه‌های فصلی برای ساکنان مفید باشد. برای نمونه نام‌گذاری برخی حیاط‌ها در خانه‌های ایرانی با توجه به محصول درختان آن می‌باشد. همچون نارنجستان که محل پرورش مرکبات می‌باشد (قبادیان، ۱۳۸۵، ص ۱۳۵). به طور خلاصه حیاط را می‌توان به عنوان ابزاری که با ایجاد خرد اقلیم مطلوب آسایش فیزیکی را در فضای مسکونی سنتی ایرانیان فراهم می‌آورد و ارتباط با طبیعت سبز و آب را ممکن می‌سازد، قلمداد نمود.

های خصوصی و نیمه خصوصی وظیفه برقراری ارتباط میان اعضای خانواده را ایفا میکند. هرچند حیاط خلوت ها نیز در خانه های سنتی فضای باز خصوصی را برای افراد تدارک می بیند، در جای خود اهمیت ویژه ای دارند که در محدوده این پژوهش نمی گنجد (صرفیان پور، ۱۳۹۰، ص ۲۸۹).

اینکه ورودی خانه به طور مستقیم در حیاط باز نمی شود و از طریق دالان هایی به آن دسترسی می یابد علاوه بر اینکه حیاط را به عنوان مامن خانوادگی معرفی می کند به آن هویت مستقل و مشخصی می بخشد که بر خلاف وضعیت خانه های معاصر تنها محل عبور نیست بلکه محل سکون و دیدار است. همچنین تداوم فضایی

اتاق ها به ایوان ها و سپس به حیاط تدریجی از فضای بسته به باز یه واسطه درب پنجره های تمام قد حاصل شده و در ضرورت می توان با گشودن آن ها از مجموعه به صورت یک پارچه استفاده نمود (حائری، ۱۳۸۸، ص ۶۹). مرکزیت و محصوریت حیاط علاوه بر آنچه ضرورت های تکنولوژیکی آن اقتضا می کند اهمیت کارکردی در ایجاد دسترسی مناسب و نیز امنیت را نشان می دهد و در مواردی که جداره حیاط به خانه مجاور و یا معبر منتهی می گردد با وجود عدم روزنه و درب در دیوار یاد شده ارتفاع آن هماهنگ با دیگر دیوار های بنا حفظ می شود و خللی در ایجاد محصوریت و مرکزیت احساس نمی شود (حائری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲).



تصویر ۴. حیاط در خانه های سنتی و حوض آب در آن؛ ماخذ: ریسی دهکردی، ۱۳۹۶، ص ۲۲۳؛ بنقل از طوفان، ۱۳۹۱، ص ۷۵-۶۷.



تصویر ۵. حیاط در مسکن و نقش فرهنگی در ارتباطات خویشاوندی؛ ماخذ: ریسی دهکردی، ۱۳۹۶، ص ۲۲۳؛ بنقل از طوفان، ۱۳۹۱، ص ۷۵-۶۷.

۶- حیات به مثابه فضای آرمانی

همانگونه که در قسمت های قبلی به آن اشاره شد، محیط و جهان بینی در نظر بوم‌شناسان فرهنگی در تعاملی دوطرفه هستند و جهان بینی مردمان فلات مرکزی ایران نیز از آنجا که زمین این سرزمین گستره ای یکنواخت و بدون عنصر جلب توجه‌کننده است و در مقابل آسمانی بلند و روشن در روز و پر ستاره و اسرار آمیز در شب دارد؛ آنچه در زمین می سازند به تبعیت از نظم و وحدت کیهانی و آن جهانی می باشد. نمی توان نقش موقعیت مکانی سرزمین ایران را نیز در جهان بینی مردمان آن انکار نمود. برای نمونه توصیه به رعایت حریم ها در جامعه و ایجاد سلسله مراتب دسترسی ها نمونه کالبدی چنین تاثیری می باشد؛ بدین ترتیب حیات حریم خانواده است که در طول دوران و به ویژه پس از اسلام به عنوان اصل معماری رعایت شده است و حریم های شخصی افراد در سلسله مراتب تدریجی از حیات متظاهر می شود. در بسیاری از نمونه ها نیز چندین حیات حریم های متفاوتی برای ساکنین خانه ایجاد می کند و ضرورت رعایت حریم در جهان بینی اسلامی است که حیات برونی و حیات اندرونی به عنوان اندام های اصلی کالبدی معماری خانه مطرح می سازد. این موضوع به عنوان اصل درونگرایی در معماری ایران مطرح شده و سبب می شود فضاهای باز در میان فضا های بسته بنشینند و فضای بسته آن را همچون حصاری دور بزند (نویسی، ۱۳۹۰، ص ۲۱).

این اصل همچنین سبب می شود جداره بیرونی خانه کمتر روزنه ای بجز ورودی به معبر داشته باشد. در منابع ادبی نیز از حیات به عنوان «میان سرای» یاد شده است که مرکزیت و درونگرایی را تلویحا اشاره دارد (سلطانزاده، ۱۳۹۰، ص ۷۴). عدم وجود شرایط مناسب بیرونی اهمیت باطن و درون و کشفیات شهودی در خیالی باشکوه و در تقابل با عینیت های مادی در اندیشه اسلامی و عرفانی دوچندان نموده است و می توان بی تزئینی و سادگی نمادهای بیرونی ساختمان ها و شکوه و زیبایی جداره های داخلی به ویژه جداره های حیات مرکزی از دیوارهای عمودی، کفسازی، حوض، باغچه و گلستان را محصول چنین اندیشه ای دانست. تزئیناتی که در خدمت فضای سه بعدی است و نه پوسته دویعدی و به جای آن که در برابر انسان بایستند و قد علم کند، او را احاطه کرده و

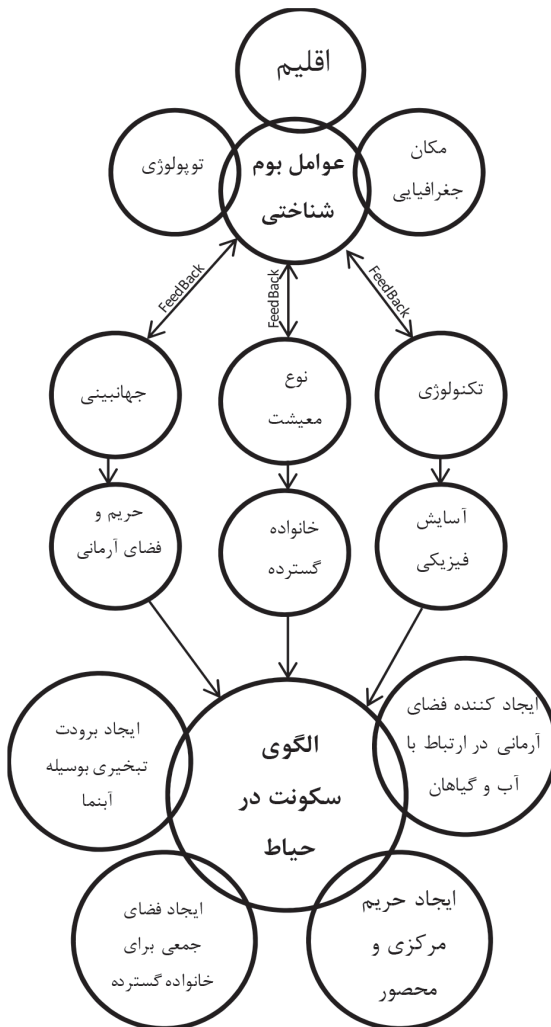
در بر می گیرد. می توان به خیال معمار که متأثر از جهان بینی خاص این سرزمین است و به اصل، کنه و درون، در پس پرده و حجاب، زیبایی در سیرت و نه در صورت، معنی و مغز، مروارید و نه صدف اعتبار می بخشد، اشاره نمود که در ایجاد چنین فضاهایی نقش اساسی ایفا می کنند (نویسی، ۱۳۹۰، ص ۲۵).

یکی از موارد مهم در جهان بینی که نمی توان آن را بی ربط به محیط دانست اهمیت آب در حیات خانه ایرانی است. در جهان بینی اسلامی آب مایه حیات و پاک کننده نا پاکی هاست و وجود حوض در سرزندگی اهالی، آبیاری گیاهان و مصرف خانگی به کار می رود و در این سطح از تاثیرات محیطی به واسطه جهان بینی اهمیت آب به واسطه ارزش نمادین آن است. وجود گیاه و درخت علاوه بر آن چه که ذکر شد معرف تاثیرات جهان بینی می باشد. ارتباط با طبیعت به ویژه آب و گیاه در ایجاد فضایی آرمانی همچون باغ بهشت اهمیت می یابد. در شرایط سرزمینی فلات مرکزی ایران گوشه ای از طعم بهشت که در زیر درختان آن نهرها جاری و فضای آرمانی آنان را می سازد در حیات خانه تدارک دیده می شود فضایی که از باورهای معماری و به تاثیر از شرایط سخت محیطی نشأت گرفته و در حیات خانه ایرانی نمود کالبدی یافته است. باورهایی که عناصر طبیعی همچون آب و درخت را نشانه هایی از خداوند دانسته و شناخت آن را نشانه ای از شناخت خداوند بیان می کند (امین زاده، ۱۳۷۹، ص ۴۳)؛ بدین ترتیب همبستگی مکان جغرافیایی، اقلیم و توپولوژی که عوامل محیطی را تشکیل می دهند با جهان بینی در حیات خانه (به عنوان نمونه مورد پژوهش) ایرانی نمود کالبدی می یابد. مطابق با آنچه گفته شد در بوم شناسی فرهنگی در یک نگاه کل نگر ویژگی های محیطی و فرهنگی در بسیاری سطوح (هسته فرهنگی) مرتبط با هم هستند و نمی توان پدیده های حاصل از آن ها همچون الگوی سکونت را تنها متعلق به یکی از آن ها دانست و در مورد پژوهش این تحقیق که همانا حیات خانه ایرانی می باشد عوامل بوم شناختی با تأثیر و تأثر از ویژگی فرهنگی یعنی تکنولوژی، نوع معیشت و جهان بینی الگوی سکونت در فضای باز را تشکیل می دهند. در نمودار ۵ می توان نحوه ارتباط موارد یاد شده را به اختصار مرور کرد.

۷- نتیجه گیری و جمع بندی

بوم‌شناسی فرهنگی، علمی کل‌نگر است که مجموع شرایط محیطی و فرهنگی را مرتبط با هم و دقیق مورد پژوهش قرار می‌دهد. این علم بین علوم تجربی و علوم انسانی پل می‌زند و نگاه تخصصی و یکسو نگر معرفت‌شناسی اثبات‌گرایی را به چالش می‌کشد. این علم از آنجا که یک دست در شناخت عوامل بومی و محیطی و دست دیگری در شناخت عوامل فرهنگی دارد می‌تواند در ایجاد معرفتی کل‌گرا در زمینه‌های طراحی محیط بویژه معماری، راه‌گشا باشد. البته شناخت گرایش‌های این علم و روش‌های پژوهش در آن مهمترین وظیفه علاقمندان به آن می‌باشد همچنین این زمینه علمی به همراه بوم‌شناسی سیاسی و بوم‌شناسی جدید که ریشه در بوم‌شناسی فرهنگی دارند در مطالعات معماری شناخته شده نیستند. پژوهش حاضر در تلاش برای آغاز این شناخت سعی در استفاده از مدل‌های بوم‌شناسی فرهنگی در بازخوانی ویژگی‌های حیاط‌خانه‌های سنتی ایرانی داشت و از آنجا که این زمینه علمی در محافل معماری کمتر بکار گرفته شده است، خالی از اشکال نیست. در این پژوهش با مطالعه عوامل بوم‌شناختی نظیر توپولوژی، اقلیم و مکان جغرافیایی و همبستگی آن با عوامل فرهنگی نظیر تکنولوژی، نوع معیشت و جهان بینی بررسی و تلاش شد، الگوی سکونت مردمان این سرزمین از این طریق شناسایی شود؛ سپس حیاط مرکزی در خانه سنتی ایرانی بعنوان فضای کالبدی محصول و برآیند تمام عوامل یادشده بازخوانی و معرفی گشت. بوم‌شناسی فرهنگی در ساخت محیط پایدار انسانی بدلیل نگاه کل‌نگر خود می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، این بستر پژوهشی در سطحی بین‌المللی از گرایش‌های مورد توجه بوده و در معماری پایدار بدنبال تعریف اخلاق محیطی در ساخت بنا و چشم انداز می‌باشد. اخلاق محیطی مجموع اکوسیستم شامل انسان، محیط، فرهنگ و تکنولوژی را همزمان مورد پژوهش قرار می‌دهد و تعامل چند خطی را جایگزین رویکردهای تک خطی نموده است و می‌تواند موضوع پژوهش‌های آینده قرار گیرد. یادآوری این نکته ضروری است که بوم‌شناسی فرهنگی علمی است که در پارادایم‌های پس‌اثبات‌گرایی شکل گرفته است و این پارادایم‌ها

نیز در نقد اثبات‌گرایی از محدوده ماده‌گرایی خارج نشده‌اند و با بیان دیگری می‌توان از آن به عنوان ماده‌گرایی فرهنگی نیز یاد نمود؛ بدین ترتیب یکی از زمینه‌های پژوهشی مفید، بررسی انطباق و یا عدم انطباق آن با معرفت‌شناسی اسلامی، نقد و اصلاح آن است. هرچند که متفکران آن از فرهنگ تنهای بخشی از آن که مرتبط با محیط است (هسته فرهنگ) را در نظر می‌گیرند و خود نیز به این موضوع اذعان دارند و بخش‌های دیگر فرهنگ که در ساخت محیط مؤثرند را نمی‌توانند توجیه کنند و با موضوع ارتباط دهند و فعلا سکوت می‌کنند.



نمودار ۵. عوامل بوم‌شناختی در تعامل با عوامل فرهنگی در الگوی سکونت در حیاط؛ مأخذ: نگارندگان

۸- منابع و ماخذ

۱. آلباگونولو. آدریانو (۱۳۸۴) نوشیدن از چاه خویش: معرفی مسائل معماری بومی، معنا و چشم اندازهای کنونی آن، در معماری بومی، ترجمه: علیمحمد سادات افسری، تهران: نشر فضا.
۲. امین زاده، ب. (۱۳۷۹). حکمت تماس با طبیعت در شهرهای مسلمین. صفه، ۳۱، ۴۳-۵۲.
۳. بل، سایمون (۱۳۸۶) منظر: الگو، ادراک، فرآیند، ترجمه بهناز امین زاده، انتشارات دانشگاه تهران.
۴. بمانیان، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۹) باززنده سازی منظر فرهنگی تخت سلیمان، مدیریت شهری، شماره ۲۶.
۵. حائری، م. (۱۳۸۸). خانه، فرهنگ، طبیعت. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۶. دادخواه. مهیار (۱۳۸۴) گذری در گستره معماری بومی، در معماری بومی، آلباگونولو آدریانو و دیگران، تهران: نشر فضا.
۷. ریسی دهکردی، افشین (۱۳۹۶) بررسی جایگاه حیات در معماری اقلیمی بناهای مسکونی شهری، مدیریت شهری، شماره ۴۶.
۸. سلطان زاده، ح. (۱۳۹۰). نقش جغرافیا در شکل گیری انواع حیات در خانه های سنتی ایران. پژوهش های جغرافیای انسانی، ۷۵، ۶۹-۸۶.
۹. شکویی، ح. (۱۳۷۲). جغرافیا و مذهب. تحقیقات جغرافیایی، ۳۰، ۵-۲۳.
۱۰. صادقی پی. ناهید (۱۳۹۱) تاریخچه و علل گرایش به معماری بومی در غرب، کشورهای اسلامی و ایران، شهر و معماری بومی شماره ۲.
۱۱. صرفیان پور، م. (۱۳۹۱)، اردیبهشت ۲۱. مرتبت تدریج در خانه؛ احیای بستر زندگی خانواده گسترده. معماری و شهرسازی اسلامی، ص. ۲۷۷-۳۰۰.
۱۲. عزیز، ش.، دلپذیر، ع.، و مقدم، پ. (۱۳۹۱). انسان شناسی فرهنگی وسیله ای برای بررسی عوامل شکل دهنده معماری. هویت شهر، ۱۲، ۶۱-۷۰.
۱۳. فکوهی، ن. (۱۳۶۵). تاریخ اندیشه و نظریه های انسان شناسی. تهران: نشر فضا.
۱۴. فلامکی. محمد منصور (۱۳۸۴) معماری بومی در ایران، در معماری بومی، آلباگونولو آدریانو و دیگران، تهران: نشر فضا.
۱۵. فلامکی. محمد منصور (۱۳۸۴) معماری بومی، فضایی ناشناخته، در معماری بومی، آلباگونولو آدریانو و دیگران، تهران: نشر فضا.
۱۶. قبادیان، و. (۱۳۸۵). بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران. تهران: دانشگاه تهران.
۱۷. ماتلاک، جان. ل (۱۳۷۹) آشنایی با طراحی محیط و منظر جلد ۱ و ۲، ترجمه و انتشار معاونت آموزش و پرورش سازمان پارک ها و فضای سبز شهر تهران
۱۸. مارکت، ک. (۱۳۸۳). بوم شناسی فرهنگی. هنر، ۵۹، ۱۹۰-۱۹۸.
۱۹. معماریان. غلامحسین (۱۳۷۵) آشنایی با معماری مسکونی ایرانی: گونه شناسی درونگرا، تهران: مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران
۲۰. معماریان. غلامحسین (۱۳۸۴) سیری در مبانی نظری معماری، تهران: انتشارات سروش دانش.
۲۱. مک هارگ، ایان (۱۳۸۶) طراحی با طبیعت، ترجمه: عبدالحسین وهاب زاده، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه مشهد.
۲۲. نوایی، ک.، و حاجی قاسمی، ک. (۱۳۹۰). خشت و خیال، شرح معماری اسلامی ایران. تهران: سروش.
۲۳. نوربرگ شولتز، ک. (۱۳۸۸). روح مکان؛ به سوی پدیدار شناسی معماری. (م. شیرازی، مترجم) تهران: رخ داد نو.
۲۴. هاشمی، فاطمه و حیدری، بررسی کارکرد اقلیمی حیات زمستان نشین در مناطق سردسیر، نامه معماری و شهرسازی، شماره ۶، ۱۳۹۰.
۲۵. هاویلند، و. (۱۳۸۲). انسان شناسی فرهنگی. (م. گودرزی، مترجم) رشد آموزش علوم اجتماعی، ۲۲، ۲۲-۳۱.
۲۶. یاوری، احمد رضا (۱۳۸۷) «جایگاه اکولوژی و محیط زیست در توسعه پایدار مناطق شهری»، در مجموعه مقالات توسعه شهری پایدار، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۷. یاوری، احمد رضا (۱۳۸۵) «اصلاحات ساختار

- Survey (29) pp.207231-. Cambridge University Press, Cambridge.
37. 37. Hardesty, D. L. (1977). *Ecological Anthropology*. New York: Jhon wiley Sons.
38. 38. Ingold, T. (1993). *The Temporality of the Landscape*. *World Archaeology*, 25, 152174-.
39. 39. J. Ferrer Forés. Jaime, *Courtyard housing: Environmental Approach in Architectural Education*, International Conference on Technology & Sustainability in the Built Environment ,Riyadh, Saudi Arabia, 3- 6 January 2010.
40. 40. joralemon, d. (2010). *exploring medical anthropology upper saddle river*. New Jersey: prentice hall.
41. Rapoport. Amos, *The Nature of the Courtyard House: A Conceptual Analysis*, *Traditional Dwelling and Settlements Review Journal (TDSR)*, VOL. 18 , No.2, 2007.
42. steward, j. H. (1972). *Theory of culture change: The Methodology of Multilinear Evolution*. Urbana: university of Illyrians press.
43. Sutton, M. Q., & Anderson, E. N. (2010). *Introduction to cultural ecology*. Maryland: AltaMira.
44. Xu. Feng, Zhang. Guoqiang and Xie. Mingjing, *Ecological Technologies of a Chinese Traditional Folk House in Hot-Summer and Cold-Winter Zone*, *Proceedings of the Sixth International Conference for Enhanced Building Operations*, Shenzhen, China, November 6 - 9, 2006.
45. Zarin, H. L. (2010). *Making Place And Identity In The Interests: (Land Of The Middle)*, PARÁ,razilL. Doctoral Dissertation Florida: University Of Florida.
46. Zhai, Zhiqiang (John) & Previtali, Jonathan .M (2010), *Ancient vernacular architecture: characteristics categorization and energy performance evaluation*, *Energy and Buildings*, 42 (2010).
- اکولوژیک: راهبرد موثر حل محیط زیست
ناسالم شهرهای بزرگ»، مجموعه مقالات
دومین سمینار ساخت و ساز در پایتخت،
انتشارات دانشگاه تهران.
28. Batista, D., & Matos, R. S. (2013, June 10 - 14). *Ecology and ethics: landscape architecture and sustainability*. Scientific Conference, pp. 334338-.
29. Bourdieu, P. (1977). *Outline of a Theory of Practice*. (R. Nice, Trans.) Cambridge: Cambridge University Press.
30. Bridson. Danny, *Courtyard Housing Study: Djingis Khan and The Kingo Houses*, *Sustainable Urban Design*, Lund University, March 29th 2012.
31. Cho.Soolyeon and Mohammadzadeh. Nooshafarin, *Thermal Comfot Analysis Of A Traditional Iranian Courtyard For The Design Of Sustainable Residential Buildings*, *Proceedings of 13th Conference of International Building Performance Simulation Association*, Chambéry, France, August 262013 ,28-.
32. 32. Cho.Soolyeon and Mohammadzadeh. Nooshafarin, *Thermal Comfot Analysis Of A Traditional Iranian Courtyard For The Design Of Sustainable Residential Buildings*, *Proceedings of 13th Conference of International Building Performance Simulation Association*, Chambéry, France, August 262013 ,28-.
33. 33. Eisenstein, W. A., 2002, *Ecological Design and Culture: Toward a Research Agenda*. In: M. Elen Deming, (ed.), *Annual Meeting of the Council of Educators in Landscape Architecture*, New York.
34. 34. Eisenstein, W. A., 2005, *Eco-Revelatory Design and the Values of the Residential Landscape*, Unpublished thesis for the degree of PHD in Landscape Architecture and Environmental Planning, the University of California, Berkeley.
35. 35. Eyüce. Ahmet, *Interdependence of Traditional House Form and Settlement Pattern*, *Intercultural Understanding*, volume 2, 2012.
36. 36. Forman, R.T.T. – Alexander, L.E. 1998. *Roads and their major ecological effects*. *Annual Review Ecological*